



تولد مسیح انجیل مشابه به هواسین
آناپات. مأخذ: Demersessian &
Mekhitarian, 1986: 115



مطالعه تحلیلی در نگارگری ارامنه ایران: خوانش نگاره‌های تولد مسیح (ع)

رفعت حسینی نژاد * نادیا معقولی **

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۸

صفحه ۵۷ تا ۶۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پیدایش هنر ارمنیان در ایران به دوران مادها و هخامنشیان می‌رسد. بعد از کوچ اجباری ارمنیان به ایران توسط شاه‌عباس، میراث هنری ارمنی نیز به مکان جدید منتقل شد. قرون هفدهم و هجدهم میلادی، جلفای اصفهان مهد علم و دانش ارمنیان ایرانی گردید و نسخ خطی فراوانی کتابت و مصور شدند که هم‌اکنون در موزه کلیسای وانک نگهداری می‌شوند. در این پژوهش، ۵ نمونه از نگاره‌های مکتب جلفای نو اصفهان با موضوع تولد حضرت عیسی مسیح (ع) را که در این موزه وجود دارد، مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف انجام این پژوهش، تحلیل نگاره‌های ارمنیان (تولد حضرت عیسی مسیح) می‌باشد. سؤال اصلی این پژوهش تحلیل نگاره‌های تولد در انجیل‌ها برچه اساسی مصور شده‌اند؟ در این پژوهش روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات بصورت کیفی است. پس از خوانش نمونه‌های موردی این نتیجه حاصل شد که مضامین و نحوه دید هنرمندان در سنت نگارگری ارمنی، بر اساس وفاداری بر واقعیات تاریخی اتفاق افتاده ترسیم شده‌اند و پیوند نگاره‌ها با مضامین اسطوره‌ای (کهن‌الگوی تولد قهرمان و رمزگان اسطوره‌ای) آشکار می‌شود.

کلیدواژه‌ها

هنر ارمنی، جلفای نو، کهن‌الگوی تولد قهرمان، کلیسای وانک، نگارگری.

* کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، شهر قائمشهر، استان مازندران

Email:nazih351@gmail.com

** استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، شهر قائمشهر، استان مازندران (نویسنده مسئول)

Email:maghuly@gmail.com

مقدمه

وجود ارمنیان در ایران، به دوران مادها و هخامنشیان تعلق دارد. اساس فرهنگ ارمنستان ایرانی بود اگرچه به جهان مسیحیت در سده‌های میانه تعلق داشت. دو سرزمین ارمنستان و ایران هم جوار بوده و طی سده‌های طولانی از نظر فرهنگی و روابط سیاسی باهم ارتباط داشتند بنابراین قوم ارمنی در زمره اقوام ایرانی قرار گرفته است. سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، جمع‌کنندگی از هنرمندان و دانش‌پژوهان ارمنی در جلفای اصفهان گرد هم جمع شدند و به فعالیت‌های هنری و فرهنگی پرداختند به همین دلیل جلفای اصفهان سرزمین علم و دانش ارمنیان مقیم ایران شده بود. در دهه سوم قرن هفدهم خلیفه خاچاطور کساراتسی (وفات ۱۶۴۶ میلادی)، پیشوای مذهبی ارمنیان جلفا، با سعی و اهتمام مکتب عالی (مدرسه دینی) را بنا نهاد مکتبی که در زمینه‌های تاریخ و تمدن و فرهنگ ارمنیان به نهایت شکوفایی رسید و نام دانشگاه به خود گرفت از این مکتب افرادی فارغ‌التحصیل شدند که از چهره‌های درخشان بودند و خدمات ارزنده‌ای در تاریخ تمدن و فرهنگ ارمنیان داشته‌اند. همچنین آثاری که در زمینه نقاشی‌های دیواری و مینیاتور به دست هنرمندان ارمنی خلق شده است، شایسته و تحسین‌برانگیز است. هدف انجام این پژوهش، تحلیل نگاره‌های ارمنیان (تولد حضرت عیسی مسیح) برای پاسخ دادن به سؤال پژوهش است که نگاره‌های تولد در انجیل‌ها بر چه اساسی تصور شده‌اند؟ عدم تسلط پژوهشگران به زبان ارمنی، کم توجهی پژوهشگران ارمنی به موضوعات تخصصی هنری باعث فقدان منابع فارسی و انگلیسی شده است در نتیجه بسیاری از ابعاد این آثار هنوز ناشناخته است با توجه به این موارد اهمیت و ضرورت این تحقیق را ایجاب می‌کند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی و ابزار گردآوری اطلاعات، مشاهده و فیش برداری است. جامعه آماری انجیل‌هایی است که در موزه کلیسای وانک (خاچاطور کساراتسی) نگه داری می‌شوند. ۵ نگاره از مکتب جلفای نو اصفهان با مضمون تولد حضرت مسیح (ع) انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته است. نمونه‌گیری، غیر تصادفی (موردی) و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌ها، بصورت کیفی است.

پیشینه تحقیق

در مقالات متعددی پیرامون تولد عیسی مسیح (ع)، در کنار موضوعات دیگری چون بشارت، رستاخیز و... اشاره شده است. موسوی لرومهر محمدی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «معرفی انجیل خطی هوانس^۱ با تأکید

بر تحلیل بصری نگاره‌ها و معرفی مکتب واسپوراکان» در نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۵ به معرفی انجیل هوانس^۲ پرداخته و نگاره‌های آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. که در میان این تصاویر، نگاره تولد مسیح هم دیده می‌شود. همچنین شایسته فرو همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موضوعی شمایل‌نگاری پیامبر اسلام (ص) در نگارگری دوره ایلخانی و حضرت مسیح در نقاشی مذهبی بیزانس متأخر» (به این نتیجه رسیده‌اند که نقاشی اسلامی بیشتر از نقاشی بیزانس تأثیر پذیرفته و موضوعاتی همچون تولد، غسل مسیح، خیانت، در ایشان (حضرت محمد و مسیح)، تعامل بین مسلمانان و مسیحیان، معراج و کشته شدن مسیح موضوعات متشابهی است که تصاویر تولد مسیح (ع) نیز در بین آن‌ها موجود است.

شکری (۱۳۹۲) در مقاله «تقدیر قهرمان شدن با تولد نمادین در اسطوره و افسانه» در نشریه ادب پژوهشی، شماره ۲۶ به تحلیل روان‌شناسانه به تولد‌های اسطوره‌ای و غیر عادی و نمادین پرداخته است. و تولد مسیح (ع) را نیز جزو این تولد‌های نمادین بر شمرده است.

شکیبی ممتاز و حسینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «اسطوره تولد قهرمان» در نشریه ادب و پژوهشی، شماره ۲۹ به تحلیل روان‌شناسانه و اسطوره‌شناسانه تولد قهرمان در داستانها پرداخته‌اند و تولد مسیح (ع) را در زمره این تولدها قرار داده‌اند.

مهرمحمدی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «مبانی زیبایی‌شناسی نگارگری ارمنیان ایران در قرن ۱۷ میلادی»، در دانشگاه الزهراء به راهنمایی موسوی لر، نگاره‌های مسیح (ع) را مورد مطالعه زیبایی‌شناسانه قرار داده است.

در تعدادی از کتاب‌های فارسی و یا ترجمه شده از لاتین در کنار موضوعات دیگری از زندگانی مسیح (ع)، به تولد آن حضرت هم اشاره شده است. اوسپنسکی و لوسکی در کتاب خود معنای شمایل‌ها که ترجمه داوودی (۱۳۸۸-نشر سوره مهر) است درباره تولد حضرت عیسی مسیح (ع)، مطالبی را نوشته‌اند و یک نگاره از تولد مسیح را مورد مطالعه قرار داده‌اند. درنرسیسیان و مختاریان، در کتاب خود مینیاتور ارمنیان اصفهان که به زبان انگلیسی چاپ شده است (۱۹۸۶ میلادی)، چندین انجیل موجود در موزه کلیسای وانک را معرفی کرده‌اند و توضیحات مختصری درباره نگاره‌های ترسیم شده در آن‌ها داده‌اند و نگاره‌های تولد مسیح هم در بین این نگاره‌ها وجود دارد.

پژوهش حاضر در ادامه پژوهش‌های انجام گرفته، در پی ارائه خوانشی روشمند و عمیق‌تر از نگاره‌های ارمنیان اصفهان با موضوع موردی تولد عیسی مسیح (ع) است تا باین نتیجه برسد که این آثار بر چه اساسی تصور شده‌اند.

هنری سرزمین ابا و اجدادی خود و نیز با متأثر شدن از هنر پارسیایی به ابداع آثار هنری گوناگونی پرداختند. کلیساها و عمارات و مجلل بنا گردید و اینها با نقاشی‌های دیواری زیبا تزیین گردیدند» (گرما نیک، ۱۳۶۳: ۴). سده‌های هفدهم و هجدهم در تاریخ دوران پیدایش رویدادها و تحولات عظیم دوران گذر از سده‌های میانه به عصر جدید به شمار می‌روند. بالا رفتن سطح خودآگاهی مردم در تمامی زمینه‌های زندگی معنوی آشکار بود و آن چیزی جز خودشناسی، شناخت گذشته و حال سرزمین و ادبیات خویش و نیز حفظ زبان نبود. کمبود کتاب‌های ارمنی حتی توسط نسخه‌های خطی متعدد قابل جبران و ضرورت کتب محسوس گردیده بود جلفای نو و کلیسای اچمیادزین (نخستین کلیسای جامع در تاریخ مسیحیت) از مراکز عمده پیشرفت نقاشی هنری سده‌های هفدهم و هجدهم بشمار می‌رفتند. جلفای نو یکی از مراکز مهم سیاسی، اقتصادی و زندگی ارمنیان در سده‌های مذکور بود. میراث هنری کنده‌کاری و نقاشی جلفای قدیم پایه و اساس هنر جلفای نو را تشکیل می‌داد. (قازاریان، ۱۳۶۳).

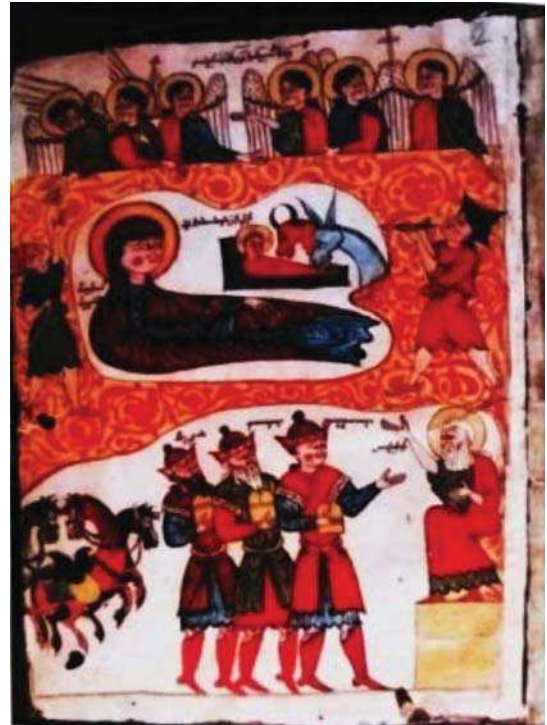
معرفی نسخه‌ها و نگاره‌ها

تصویر یک (۳۰ در ۲۲ سانتی‌متر) که متعلق است به چهار انجیل مکان و زمان ایجاد آن ناشناخته است. ولی بازسازی و تصویرسازی دوباره آن، دربرگری خیزان (ارمنستان غربی) صورت گرفته است. رونویسی توسط کشیش هوانس^۱ نقاش آن هوانس^۲ (از نقاشان مشهور پرگری) است. اهداکنندگان اثر، کشیش سارگیس^۳ و مونک سارگیس^۴ (۱۳۶۲ میلادی) هستند. انجیل ۲۵۶ برگ و برگه‌ها در ابعاد ۸/۳۸ در ۹/۲۳ هستند. متن انجیل با جوهر مشکی در دستون ۲۱ خطی و خط بلراگروسرستون ها قرمز کتابت شده است. برگه‌های مفقوده این انجیل توسط تصویرگران (۱۳۶۲ میلادی) به آن اضافه شده است (Demersessian & Mekhitarian, 1986).

جلد آن چرمی است که نقش صلیبی در میان تزیینات گیاهی دارد. بر روی قفل فلزی کتاب، این عبارت حک شده: «آودیس را دعا کنید» (موسوی لر، ۱۳۹۴: ۱۰۲) که احتمالاً آودیس نام صحاف این انجیل است.

اندام‌ها (همچون بین‌النهرین و مصر) به روش آیینی (با بدن‌های تمام‌رخ و دستان و پاها از نیم‌رخ) رسم شده‌اند. لباس‌ها منطبق با شخصیت‌ها و بر اساس پوشش آن زمان طراحی شده‌اند. بر روی آستین مجوسان کلمه پادشاه به ارمنی و کلمات نامعلومی شبیه به خط عربی نوشته شده است.

جامه پردازی با خطوط پریپچ‌وتاب، قلم‌گیری بارز در پیکره‌ها، سایه زنی مختصر در چهره‌ها و سطوح آب رنگی تخت، رنگ‌های محدود و زمینه ساده که در مکتب واسپوراکان قرن ۱۴ نمود پیدا می‌کنند، ویژگی نگاره‌های



تصویر ۱. تولد مسیح، چهار انجیل، هوانس ۱۳۶۲. مأخذ: Demersessian & Mekhitarian, 1986:146

هنر ارمنی

هنر ارمنی که اصالت چند هزارساله دارد، از ویژگی خاص خود برخوردار است از هزاره سوم پیش از میلاد سرچشمه گرفته در شرایط اجتماعی و زیستی قوم‌های تشکیل‌دهنده ملت ارمن در طی تاریخ به تکامل رسیده است. آثاری که از دوران اورارتو از جمله خرابه‌های معبد موساسیر بجا مانده است و نیز بسیاری آثاری دیگر چون نگاره‌های گرمابه گارنی و خود پرستشگاه گارنی که اخیراً توسط شادروان مهندس الکساندر ساهینیان بازسازی و از نو پیا شده است گواه ادعای فوق است. پس از آنکه مسیحیت در ارمنستان رواج یافت هنر ویژه هنر کلیسایی بر هنر ارمنی سایه افکند و تم‌های انجیل با تأثیرات هنر یونانی موضوع اصلی نقاشی‌های هنری را تشکیل داد و آنگاه مذهب‌ان به تذهیب انجیل‌ها و کتب مقدس پرداخته کتاب‌های مصور آوردند و امروزه بسیاری از آن‌ها در موزه‌های وانک اصفهان، ارمنستان، ونیز، وین و سایر جاها نگهداری می‌شود. هم‌زمان با تذهیب کتاب‌های مقدس، تصاویر و مناظر انجیلی توسط هنرمندان ارمنی بر روی دیوارهای کلیسا و منازل شخصی توانمندان زمان نقش‌بست.

پس از کوچ اجباری ارمنیان توسط شاه‌عباس به ایران میراث هنری ارمنی نیز به مکان جدید منتقل گردید و هنرمندان ارمنی در جلفای نو با بهره‌جویی از میراث

1. the priest Hovanes
2. Hovanes
3. The priest Sargis
4. Monk sargis

۵. سبک جدیدی در نگارگری ارمنی که از اواخر قرن ۱۳ آغاز شده بود. این مکتب در مقایسه با نگارگری کلاسیک ارمنی که متأثر از بیزانس است، خام‌بستانه به نظر می‌رسد. ویژگی بارز آن هاتراحی‌های ساده‌بارنگ‌های محدود، بر زمینه‌ی کاغذ است این آثار نشانه‌ای از فعالیت فرهنگی کلیسای ارمنی در این دوران است که نواحی مسیحی‌نشین شمال غربی ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد و مکتبی را پدید آورد که به نام تاریخی این منطقه، مکتب واسپوراکان نامیده می‌شود. از مراکز مهم این مکتب خیزان و سیونیک بودند.



تصویر ۲. تولد مسیح انجیل مشابه به هواسن آناپات. مأخذ:
همان: ۱۱۵

و خشت، پایک آسمان ستاره‌نشان، یک چشم انداز فانتزی و معماری بالهت دیده می‌شود. فیگورها با چهره‌های گرد و بزرگ و چشمان کمی بادامی شکل دارند (یادآور الگوی مغولی که گاه‌وبیگاه در مجسمه‌سازی استان‌های سیونیک^۱ تولید می‌شوند). این فیگورها کمتر تغییر دارند هرچند از تجربیات گوناگون تقلید کرده‌اند ظاهراً بدون نوغ و ابتکار به نظر می‌رسند. چین‌ها به‌طور عالی و روشی خاص حتی سیخ و مستقیم کشیده شده‌اند ولی از خط‌های اندام تبعیت می‌کنند و حالت فیگورها کاملاً مشخص است. زیاده‌روی در استفاده از موتیف‌های زینتی یکی از خصوصیات متمایز این نگاره (و دیگر نگاره‌های این انجیل) است. نفوذ زیورآلات داخل صحنه‌های مجازی، در مراحل ابتدایی درکارهای نقاش ایگناتیوس^۲ (آغاز قرن ۱۳ در منطقه آنی) دیده شده است. مربع‌های کوچک، دایره‌ها، چهارگوش‌های رنگی قرمز و نقاط سفید پراکنده در پس‌زمینه آبی فضای خالی اطراف فیگورها را می‌پوشانند. این سلیقه تزئینات بر شیوه تصویربرداری از منظره تأثیر می‌گذارد. تپه‌های سالی که مریم بر روی آن‌ها نشسته است، دیوار آجرچینی که در آن دو شکستگی هست که از آنجا دو چشمه آب بیرون می‌آید از الحاقات جدید در این انجیل (سبک) است. این همان ترکیب‌بندی است که در انجیل تصویر شده توسط مومیک ظاهر شده است اما در این تصویر مگی نشان داده نشده است به طوری که چیزی برای خیره شدن یوسف

عباسیان در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی است. (موسوی لر، ۱۳۹۴).

درنرسیسیان درباره مکتب واسپوراکان^۵ می‌نویسد: «بدن‌های چاق و صورت‌های گرد و خط چشم بلند آن‌ها، چهره‌های نسخه‌های خطی عربی از مکتب بغداد را به یاد می‌آورد» تصویر بدون پس‌زمینه یا چشم‌انداز است و رنگ‌های برتر این پیکره سُرخ، آبی، سبز، زرد، بنفش و قهوه‌ای است که مختص سرزمین وان (قرن ۱۴) است (Dernersessian & Mekhitarian, 1986)

«در این تصویر، طرح‌هایی از چند رویداد که از همبستگی روایی برخوردارند، در کنار یکدیگر و در یک صفحه ترسیم شده‌اند» (مانوکیان، ۱۳۹۳). در این روش، نگارگریانقاش با نمایش داستان به‌طور هم‌زمان از زوایای مختلف، فضای غیرمادی و خیالی می‌آفریند یعنی روایت تمام جنبه‌های داستان در یک تصویر امکان‌پذیر می‌شود. گویا بیننده، داستان را از روی تصاویر بخواند (موسوی لر، همان). در این نگاره، مریم (س) در غار آرمیده، هم‌زمان چوپانان و فرشته‌های فضای بیرون غار هم دیده می‌شوند و در همین زمان و مکان، یوسف و سه مرد بالباس‌های اشرافی هم (بنا به انجیل متی: سه مجوسی که ستاره مسیح (ع) را در شرق دیدند، با زرومرو کندر به دیدارش شتافتند) تصویر شده‌اند.

«در این تصویر، اثری از تنوع رنگ‌ها، رنگ طلایی و پس‌زمینه رنگ‌آمیزی دیده نمی‌شود و طرح‌های اصلی در محدوده قاب‌هایی مجزا از خطوط سیاه و ساده محصور شده‌اند. این سادگی درنمایش پیکره‌ها و چهره‌ها نیز وجود دارد و به‌جز خطوطی که چین و چروک لباس‌ها را به نمایش می‌گذارند ظرافت و جزئی‌گرایی دیگری در تصویر دیده نمی‌شود (خصوصیات مکتب واسپوراکان)» (مانوکیان، ۱۳۹۳).

این تصویر که متعلق است به چهار انجیل، مشابه به انجیل هواسن که در سال ۱۳۳۰ توسط کاراکاس تبریزی به تصویر کشیده شده است. از صفحه ۱ تا ۲۸۲ پوست حیوان و از ۲۸۳ تا ۲۸۸ از کاغذ است اندازه برگه‌ها ۲۳ در ۱۶ سانتی‌متر است. وضعیت کتاب مناسب، جلد کتاب چرم، درجلوبا کنده‌کاری صلیب روی جلد و المان‌های گوناگون حکاکی شده در پشت جلد کتاب دیده می‌شود. کتاب با جوهر مشکی، سرستون‌ها طلایی، آغاز جملات معمولاً با قرمز، کلمات ابتدا با طلایی، قرمز و آبی و متن در دستون ۲۳ خطی، با خط بلراگیر نگاشته شده است. در حاشیه، تصاویر بی‌شمار و المان‌های تزئینی (پرنندگان، گل‌ها...) دیده می‌شوند. نقاش این اثر کاراکاس تبریزی است (Dernersessian & Mekhitarian, 1986).

در این تصویر دامنه رنگ‌ها خیلی خاص و ویژه هستند. رنگ‌های بنفش گلی، قرمز، آبی، سبز و طلایی برای هاله سردیده می‌شوند. در پس‌زمینه شطرنجی، آجر فرش

کتابت شده است. انجیل خصوصی است و قابل مقایسه با انجیلی در ماتنادران در ایروان که هاکوب از جلفا در سال ۱۶۱۰ میلادی آن را انجام داده و در همان سال ۱۶۰۷ میلادی توسط مونک سرگیس در جلفای نو از روی آن تقلید کرده است (Demersessian & Mekhitarian, 1986).

در این تصویر هنرمند در جستجوی تأثیرات کل در اصول ترکیب‌بندی است. تنها سرهای الاغ و گاو از پشت پس‌زمینه آبی ظاهر شده است و کوسن‌هایی که نوزاد روی آن‌ها قرار دارد روی زانوان مادر قرار گرفته و گهواره او به شکل مستطیلی تزیینی مانند بالشی پشت سر مادر قرار دارد. ترکیب‌بندی رها، زمینه متنوع، رنگ‌های درخشان و غنی با سایه‌های ظریف، رنگ‌های قرمز، زرد، آبی، سبز، طلایی، بنفش، رنگ سایه‌های تیره برای چهره‌ها در این نگاره مشهود است. در این نگاره لباس‌ها پرچین، معماری تخیلی، قیافه فیگورها سخت و خشن و در خدمت تلاش برای رساندن معنای تصویر، نگاره به روش انگ زدن (سایه‌های ظریف) رنگ‌آمیزی و سایه‌گذاری شده، چهره‌ها ته رنگ تیره دارند و بیشتر ژست‌ها ایستا هستند. خطوط سفید با پیچش در اطراف رنگ آبی، ابرهای روشن را تجسم کرده‌اند. در مقایسه با کارهای ظریف استادان کلیکیه، یا حتی تصاویر نسخ خطی منطقه وان، تصاویر این انجیل غیررسمی و خشک به نظر می‌رسد. عظمت فیگورها در سکون و حرکات باوقار نشان داده شده، اما هنرمند برای بیان حرکات اغراق کرده است. در این نگاره حالات دست‌ها مخصوصاً شصت انگشتان دست‌نشان می‌دهد که این تصویر از روی تصویر اصلی گزیده برداری شده است.

تصویر ۴ به چهار انجیل ربع سوم یا چهارم قرن ۱۳ تعلق دارد. کاغذ آن ضخیم ولی قابل ارتجاع، ۳۰۱ برجه در ابعاد ۴/۳۰ در ۳/۲۱ سانتی‌متر است. وضعیت این نسخه خطی، از وضعیت نمناک، تا اندازه‌ای مطلوب است برگه‌های بالا و پایین که بازسازی شده سفید و در چرم پیچیده شده است. رونویس این اثر روبن و نقاشان آن چند نفر هستند که بی‌نام‌نشان مانده اند و صفحه عریضه‌ها گم شده است. متن انجیل، با جوهر مشکی، با خط بلراگیر، حروف ابتدایی و تزیینات حاشیه‌ای طلایی، قرمز و آبی کتابت شده است و نوارهای تزیینی به‌عنوان سر صفحه عنوان یا پاراگراف بالا یا میانه تصویر قرار داده شده است. سرستون و اول خط‌ها و پاراگراف‌ها طلایی، متن به‌طور میانگین ۲۱ خط که شامل مینیاتورهای کوچک و متوسط در داخل متن است. این انجیل به دوره شکوفایی هنر در این دوره تعلق دارد و نقاشان این مینیاتورها به خانواده هنری که دو نسخه خطی کلیکیه را در ربع سوم قرن ۱۳ به تصویر کشیده‌اند، متعلق می‌باشند. تصاویر این انجیل بعد از نوشته شدن متن در جاهایی که خالی گذاشته شده بود ترسیم شده اند که این یکی از مشخصات کارهای کلیکیه در قرن ۱۳ است.



تصویر ۳. تولد مسیح، اصفهان (۱۶۰۷) - هاکوب از جلفا. مأخذ: همان: ۱۵۰

ارائه نشده و سرش را به سمت چپ برگردانده است. این اثبات می‌کند که این تصویر توسط کاراکاس ترسیم شده و به نسخه خطی مومیک (۱۳۰۲م) وابستگی ندارد و همچنین با انجیل تصویر شده از سرگیس پیس داک (قرن ۱۳) هم تفاوت دارد. این مشخصات مخصوص اندیشگاه سیونیک است. در پایان قرن سیزدهم تا نیمه اول قرن ۱۴، صومعه گلاذور، در استان سیونیک از یک شهرت زیاد برخوردار بود. در اصل راهبان از استانهای مختلف ارمنی، یا پادشاهی کلیکیه، برای آموزش به این مرکز علمی مشهور می‌آمدند که امروزه به نام آتن دوم شهرت دارد. دقت در طراحی، درخشانی رنگ‌ها، پس‌زمینه طلایی و آرایش گیاهی و طرح‌های حیوانی و تزیینات نسخ خطی این دوره ارتباط نزدیک به کارهای کلیکیه^۲ قرن ۱۳ دارد.

تصویر ۳ (۳/۱۷ در ۳/۱۲ سانتیمتر) که متعلق به چهار انجیل، (کپی و تصویر شده در جلفای نو ۱۶۰۷ میلادی) در اصفهان است. کم‌وبیش صفحات آن به‌خوبی حفظ شده است دارای ۲۵۳ برگه در ابعاد ۲۶ در ۱۸ سانتی‌متر است. جلد چرمی مجلل و پرزرق‌وبرق بسته‌بندی شده و بایک مخمل قرمز پوشانده شده است یک صلیب و گوشه‌ها با نقره زراندود شده و ۲۷ سنگ گران‌بها در آن بکار بسته شده است و گیره‌ها نقره هستند. رونویس و نقاش هاکوب^۳ از جلفا است. این انجیل با جوهر مشکی و متن در دو ستون ۲۳ خطی با خط بلراگیر و سرستون‌ها با طلایی

1. Gladzor
2. Cilician
3. Hakob

(Demersessian & Mekhitarian 1986)



تصویر ۴. تولد مسیح. چهار انجیل قرن ۱۳. مأخذ:
Demersessian & Mekhitarian, 1986:46)



تصویر ۵. تولد مسیح. چهار انجیل- (۱۲۳۶) ایگناتیوس و
شاگردش هوسپ. مأخذ: ۶۹

خدای ابدی به دنیا آمده است.» در انجیل لوقا می‌خوانیم: خدا جبرئیل فرشته را به ناصره پیش دختری به نام مریم که نامزد مردی به نام یوسف بود فرستاد. فرشته به مریم گفت: به‌زودی تو آبستن شده و صاحب فرزند پسری خواهی شد و نام او را عیسی می‌گذاری. مریم گفت: چگونه انجام‌پذیر است بچه‌دار شوم در صورتی که مردی مرا لمس نکرده است فرشته پاسخ داد: روح پاک خدا بر تو نازل می‌شود و قدرت خدا بر تو سایه می‌اندازد. او غطس امپراتور روم فرمان داد در سرتاسر کشور مردم را سرشماری کنند از این‌روی از همه خواستند برای سرشماری به شهر اجدادی خود بروند چون یوسف از خاندان سلطنتی داود بود مجبور شد از شهر ناصره به بیت‌الحم در یهودیه سفر کند. یوسف مریم را هم با خودش می‌برد و روزهای آخر آبستنی را سپری می‌کرد. هنگامی که در بیت‌الحم بودند وقت تولد بچه رسید و مریم اولین فرزند خود را که پسر بود به دنیا آورد اورادر قنناق پیچید و در آخوری خوابانید

در تصویر تولد، شخصیت‌های متفاوت بطورموزون در اطراف فیگور مرکزی (مریم)، تصویر شده‌اند. بستر قرمزی که مریم روی آن خوابیده برای تمرکز بیشتر بیننده به سمت مریم کمک می‌کند. طبق آیکنوگرافی رایج در هنر مسیحی مگی در حال دادن پیشکش به مریم و فرشته‌ها در حال رساندن خبر خوب تولد به چوپانان، از ترکیب‌بندی این نگاره است. استفاده از رنگ طلایی که گاه با شیوه‌ای مبتکرانه به شکلی برجسته درمیان خطوط لباس‌ها ترسیم‌شده و نمایانگر چین‌های موجود بر روی آن‌هاست. این تصویر (۵) به چهار انجیل (۱۲۳۶ میلادی) تعلق دارد. وضعیت سند عالی، کاغذ پوستی سفید، ۴۰۷ برگه در ابعاد ۵/۳۳ در ۲۴ سانتی‌متر، پیچیده در چرم و یک صلیب بامیخ‌هایی ترسیم‌شده روی آن حکاکی شده است. نقاش این انجیل ایگناتیوس و شاگردش هوسپ^۱ هستند (Demersessian & Mekhitarian, 1986).

انجیل با جوهر مشکی، متن در دستون ۱۷ خطی، با خط یک دوازدهی ارکاتاگیر، کلمات ابتدایی بارنگ قرمز کتابت شده است. رنگ‌های غنی دریک پس‌زمینه بشدت آبی، رنگ‌های لطیف صورتی، زرد، قهوه‌ای، آبی، سبز و سفید برای ریش‌ها و موهای سر در این تصویر دیده می‌شود. مدل‌سازی گویا و پرمعنی از چهره‌ها که عموماً غمگین هستند و رنگ سایه‌های تیره دارند. چین‌ها خشک هستند اما از خط‌های بدن پیروی می‌کنند. چهارچوب معماری و پرداخت منظره به مقدار کم دیده می‌شود. رنگ‌آمیزی غنی این تصویر در پس‌زمینه آبی ترکیب‌بندی ضعیف آن‌ها تعدیل کرده است. هنرمند ترکیبات متفاوت را ایجاد کرده است. ایگناتیوس داستان‌های فرعی زیادی از انجیل را در روشی بدیع به تصویر کشیده است. این مشخصات مکتب آنی است که ایگناتیوس عمدتاً در این منطقه، در قلمرو متعلق به زکریا و واعظانش فعالیت داشته است و یکی از بهترین هنرمندان این دوره بوده است. از هفت انجیل شناخته‌شده کاملاً یا قسمتی از آن‌ها توسط ایگناتیوس ترسیم‌شده اند که فقط این انجیل در جلفای نو محفوظ مانده است.

تحلیل نگاره‌ها و شناسایی معنای ثانوی آثار

در این مرحله از تحلیل به متونی پرداخته خواهد شد که اثر در ارتباط با آن‌ها قرار دارد و این ارتباط بینامتنی، معنای ثانوی اثر را آشکار خواهد کرد. در فرآیند کشف این روابط است که در خواهیم یافت شخصیتی که در اثر تصویر شده است، چه کسی است و اثر چه ماجرابی را روایت می‌کند. بخش توصیفی نگاره‌ها از سرود عید اقتباس شده است: «امروز باکره موجودی فرا جوهری به دنیا می‌آورد و فرشتگان به شبانان جلال می‌بخشند و مردان خردمند به دنبال ستاره سفر می‌کنند زیرا برای مایک کودک کوچک،



تصویر ۶. بخشی از تصاویر تولد، مأخذ: همان



تصویر ۷. بخشی از نگاره‌های تولد، مأخذ: همان

کشیده شده و آنها را از زمینه جدا کرده است که نشان‌دهنده غاری است که محل تولد نوزاد است. «در موعظه‌ای منسوب به گرگوری نیسا میان تولد مسیح در غار و نور روحانی که درد ره مرگ تابیدن می‌گیرد و انسان‌ها را می‌کند مقایسه‌ای صورت می‌گیرد. به این معنای نمادی، غاری که در تصاویر است خود جهان است که از گناه آدم آلوده شده، اما خورشید حقیقت در آن تابیدن گرفته است» (اوسپنسکی، لوسکی، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

در انجیل درباره نوزادی که میان پارچه‌ها پیچیده شده و علوفه‌ها آمده است، «او را در پارچه‌ها پیچیده و روی علوفه‌ها قرار دادند». در این تصاویر پارچه‌های دور نوزاد دیده می‌شود ولی علوفه ترسیم نشده است. ولی خروگاوای که کنار نوزاد ترسیم شده‌اند نشان‌دهنده این است که محلی که نوزاد به دنیا آمده طویله (غار) است. در انجیل درباره آن‌ها چیزی گفته نشده است ولی در بیشتر شمایل‌های تولد در کنار کودک و مرکز نگاره تصویر شده‌اند نشانده

چون در مسافرخانه آنجا برای ایشان جا نبود. نام او را عیسی گذاشتند. (خلاصه فصل ۱ و ۲ از انجیل لوقا).

در نگاره‌های مورد مطالعه در پژوهش شمایل ولادت مسیح به شکل دیداری نقش مادر مسیح را مورد تاکید قرار داده است زنی که در میان یا میانی نگاره خوابیده و در مرکزیت تصویر قرار دارد برای تأکید، بزرگ‌تر از بقیه فیگورها تصویر شده و از دیگر فیگورها متمایز شده است. «و در این «عید بازآفرینی» «احیای همه تولدهای زمین» و حوای جدید است» (اوسپنسکی، لوسکی، ۱۳۸۸: ۱۵۵) و اولین چیزی است که نگاه بیننده را به سمت خود می‌کشد. حالت مادر مسیح نیمه نشسته است و نشان‌دهنده این است که او مانند زنان معمولی برای زایمان دچار درد و عذاب نشده است و اشاره به ولادت از دوشیزیگی و خدایی بودن کودک دارد. (تصویر ۶)

در کنارش کودکی قنداق پیچ شده تصویر شده است و همه جزئیات معطوف به اوست. دور نوزاد و مادر خطی



تصویر ۸. بخشی از نگاره‌های تولد، مأخذ: همان

شستشوی کودک هستند که در دو تصویر انتخابی نیز دیده می‌شوند. «این صحنه بر اساس سنتی کشیده شده است که به واسطه انجیل‌های غیررسمی متی مجعول و یوحنا مجعول از آن آگاهیم» (همان، ۱۳۸۸: ۱۵۶). دو زن را یوسف برای کمک به مریم آورده است و این نشان‌دهنده آن است که این کودک مانند هر نوزاد دیگری احتیاجات طبیعی دارد که ویژه انسان‌هاست (تصویر ۱۱).

در برخی شمائل نگاه مادر به سمت کودک است و در بعضی دیگر مستقیم به روبه‌رو نگاه می‌کند. در نگاره‌هایی که در این مقاله مطالعه می‌شود در دو تصویر (۲-۱۲) و تصویر (۴-۱۲) مادر سرش را چرخانده و سمت دیگری را نگاه می‌کند و نگاه او به کودک نیست. در تصاویر (۵-۱۲ و ۳-۱۲) سر مادر به سمت روبه‌رو است اما چشمان او به سمت کودک چرخیده است. در تصویر (۱-۲۲) چشم و سر مادر به سمت کودک است.

یکی دیگر از بخش‌های تصاویر که یوسف را نشان می‌دهند «تأکید بر آن است که در ولادت مسیح «نظام طبیعت به هم خورده است». او در گروه اصلی مادر و کودک نیست و به شکل مؤکد پدر کودک نیست، از این رو جدا از مادر و کودک ترسیم شده است» (اوسپنسکی، لوسکی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). او در کنار تصویر نشسته و یا ایستاده و در برابر شیطان (این شمائل بر اساس آیینی ترسیم شده است در سنت نقل شده که چگونه شیطان یوسف را وسوسه می‌کند که زایمان یک دوشیزه شدنی نیست و خلاف قانون طبیعت است) که به صورت شبانی پیر و خمیده و در بعضی شمائل با شاخ و دم کوتاه تصویر شده است مقاومت می‌کند که به وضع نابسامان و تردید یوسف اشاره می‌کند. او در اکثر تصاویر حالتی بهت‌زده و متفکر دارد. در برخی تصاویر گوشه‌ای نشسته و بازوانش را بغل گرفته است (تصویر ۵-۱۳) در نگاره‌های (۱-۱۳ و ۲-۱۳) باحالتی اندیشمند و بهت‌زده نشسته و روی خود را از صحنه ولادت برگردانده است و دهانه سیاه غار و فضای بسته غار مانند که در پس‌زمینه تصویر یوسف است وضعیت روحی از حالت یاس آمیز او را نشان می‌دهد. در این نگاره (۴-۱۳) یوسف در حالتی متفاوت از دیگر نگاره‌ها ترسیم شده است او که بر روی بلندی نشسته در حال گفتگو با سه مرد مجوسی است و با دست راست به کودک تازه

اهمیت آن‌ها در شمائل نگاری کلیسایی است این حیوانات مارابه یاد سخنان اشعیا می‌اندازد: «گاو صاحب خود را می‌شناسد و الاغ تخت سرور خود را می‌شناسد، ولی اسرائیل مرا نمی‌شناسد و مردم به من بی‌توجه هستند». فرشتگان در این تصاویر وظیفه‌ای دوگانه دارند برخی از آن‌ها به همدیگر آمدن مسیح را خبر می‌دهند و برخی به سوی پایین نگاه می‌کنند و تولد مسیح را به آدم‌ها مژده می‌دهند (تصویر ۷).

آدم‌ها چوپانانی هستند که در آن بیابان مشغول چراندن دام‌های خویش بودند سرگرم گوش کردن به سخنان فرشتگان هستند و یکی از آن‌ها برای این خبر خوش نی می‌نوازد که در اکثر شمائل‌های ولادت دیده می‌شود (تصویر ۸).

در تصاویر مردان خردمند ایستاده‌اند (سه مرد مجوسی) که از لباس‌هایشان مشخص است از سرزمینی دیگر هستند و حرکت ستاره ایشان را به اینجا راهنمایی کرده است. آن‌ها با هدایا برای دیدن نوزاد آمده‌اند. این سه مرد در نگاره‌های مختلف به حالات مختلفی ترسیم شده‌اند. به حالت نشسته و زانورده زیر پای مریم و کودک در حالی که دو تن در حال دادن هدایا هستند و یکی دیگر در حال صحبت با یوسف است (تصویر ۲-۹) در بعضی تصاویر مجوسان ایستاده‌اند و در حالی که هدایا در دستشان است در حال گفتگو با یوسف هستند (۵-۹) و یا ایستاده و دو نفر در حال دادن هدایا و یکی دیگر در حال نگاه کردن به آسمان است (۱-۹) در تصویر (۴-۹) دو مرد در حال نگاه کردن به آسمان و یکی دیگر در حال گفتگو با مرد دیگر است.

یک پرتو نور (تصویر ۱۰) از سمت آسمان به غار تابیده است که یک ستاره که احتمالاً همان ستاره راهنمای سه مرد مجوسی است از طریق این پرتو به آسمان پیوسته می‌شود نشانه نمادین جهان افلاکی است که تولد مسیح را زمینیان بشارت می‌دهد. «این نور بنا به اندیشه لئوی قدیس، از دید یهودیان پنهان بوده ولی کفار آن را می‌دیدند» (اوسپنسکی، لوسکی، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

در برخی نگاره‌های مربوط به ولادت دو زن در حال



تصویر ۹. سه مجوسی، قسمتی از تصاویر تولد، مأخذ: همان.

متولدشده اشاره می‌کند.

تفسیر محتوایی نگاره‌ها

تفسیر که در نهایت در پی کشف درونی‌ترین معنای نگاره‌ها است، به مطالعه چگونگی انتخاب ارزش‌های نمادین در برابر تصاویر، داستان‌ها و تمثیل‌ها پرداخته شده است.

هنر

مسیحیت و نمادگرایی

از توصیف و تحلیل نگاره‌ها در دو مرحله پیشین، آشکار می‌شود که نگاره‌های نسخه‌های خطی ارمنی بر پایه وفاداری بر واقعیات تاریخی اتفاق افتاده ترسیم شده‌اند. هنر مسیحیت عمیقاً نمادین است. چون واقعیت روحانی هنر مسیحی راجز طریق نمادها از راه دیگری نمی‌شود منتقل کرد. «تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد که هر چیزی می‌تواند معنای نمادین پیدا کند مانند اشیا طبیعی (سنگ‌ها، گیاهان، حیوانات، انسان‌ها، کوه‌ها، دره‌ها، آب، آتش، خاک) و یا آنچه دست‌ساز انسان است و یا حتی اشکال تجریدی (سه‌گوش، چهارگوش، دایره، اعداد). در حقیقت تمامی جهان یک نماد بالقوه است» (یونگ، ۱۳۹۶: ۳۵۲). در مسیحیت نمادگرایی حیوانی نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند. سه تن از چهار قدیسی که انجیل را نوشته‌اند، (لوقا) قدیس «سنت لوک» نشان گاو نر، مرقس قدیس «سنت مارک» نشان شیر، یوحنا «سنت جان» نشان عقاب) نشانی از حیوان در خود داشته‌اند تنها متی همانند انسان یا فرشته مجسم شده است (تصویر ۱۴). خود مسیح هم از نظر نمادین به صورت بره‌خودان، یا ماهی تجسم‌یافته است، البته به صورت مار ستایش برانگیز روی چلیپا، شیر و در موادی نادر اسب شاخدار هم تجسم‌یافته است تخصیص این حیوانات به مسیح نشان می‌دهد که حتی پسر خدا هم علاوه بر طبیعت روحانی خود به طبیعت حیوانی خود

هم نیاز دارد. هرآن چه مادون انسانی و مافوق انسانی است بخشی از الوهیت است در نگاره تولد مسیح در میان حیوانات یک آغل، این دو جنبه انسان به زیبایی نمایانده شده است (یونگ، ۱۳۹۶: ۳۶۳). یکی دیگر از نمادها که در مسیحیت نقش مهمی دارد نماد دایره است. دکتر ام‌ال-فون فرانتس می‌گوید: دایره نماد «خود» است و بیانگر تمامیت روان با تمام جنبه‌هایش از جمله رابطه میان انسان و طبیعت است. خواه این نماد در پرستش خورشید نزد مردمان بدوی، یا در ادیان نوین، در اسطوره‌ها یا در خواب باشد. به هر رو همواره بیانگر مهم‌ترین جنبه‌های زندگی یعنی وحدت و تمامیت آن بوده است (یونگ، ۱۳۹۶: ۳۶۵) رایج‌ترین ماندا لا مسیح را در میان چهار قدیس نویسنده انجیل نشان می‌دهد. در بسیاری موارد (تصاویر تولد که در تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته‌اند)، هاله دور سر مسیح، مریم مقدس که به شکل دایره است در تصاویر دیده می‌شود که نماد یگانه بودن و تمایز ایشان است (یونگ، ۱۳۹۶: ۳۶۸). برخی نمادها در نگاره‌های تولد مسیح مشترک است و چیزهایی را به ما معرفی می‌کنند: محل تولد مسیح (طویله یا ساختمان خرابه)، به دلیل این نیست که مریم و یوسف فقیر بوده‌اند بلکه نماد شکستن دنیای قدیمی و اینکه عیسی طلیعه و راهنمای یک دنیای جدید است بر اساس نقل‌قولی از گرگوری متکلم «ولادت مسیح عید آفرینش نیست، بلکه عید بازآفرینی است». فرشتگان، نماد و نشان دهنده حضور خدا و حمایت از خانواده مقدس هستند. چوپانان، اولین کسانی هستند که عیسی را می‌شناسند. حیوانات نماد طبیعت مجسم شده‌اند. مریم، معمولاً نشانه‌ای از خستگی تولد طبیعی نوزاد را نشان نمی‌دهد و نماد این است که تولد مسیح تولدی فرازمینی است. یوسف، گاهی به عنوان یک مرد جوان، اما اغلب مردی مسن است که نماد و دلیلی برای بکارت مریم است (Fletcher، ۲۰۱۲). در همه شمایل‌های مسیح در کنار گهواره نوزاد یک خرویک گاو ایستاده‌اند. جای آن‌ها در مرکز تصویر است و نشان می‌دهد کلیسا به



تصویر ۱۰. ستاره راهنما، قسمتی از تصاویر تولد. مأخذ: همان.

پیدایش ناخودآگاه جمعی از روش عناصر سازنده آن یعنی کهن‌الگوها محقق می‌شود. از سوی دیگر، پیدایش کهن‌الگوها نیز از راه نماد ممکن می‌شود. یکی از پرتکرارترین کهن‌الگوها، تولد نمادین و غیرمعمولی قهرمان است که نشانگر گزینش او از سوی نیروهای ماوراء طبیعی است «تولد قهرمان اساطیری معمولاً حادث‌های غیرطبیعی است و در رازها نهان است. قهرمان از همایش دو واحد جنسی زن - مرد به وجود نمی‌آید و اگر هم از اندام زنی تولد یابد، این باردارشدن میوه عملی معجزه‌آساست» (پیزا، ۱۳۸۲: ۱۷۹). تولد نمادین حالت‌های گوناگونی دارد که هرکدام از نمادپردازی ویژه‌ای برخوردار است. قهرمان از مادری دوشیزه متولد می‌شود یا از پهلوی یا قلب مادر به دنیا می‌آید و یا اینکه عوامل نباتی یا فرا طبیعی در تولد او نقش دارند. «رسم براین است که افسانه‌پردازان، از لحظه تولد قهرمان و یا حتی از لحظه‌ای که در رحم مادر جای می‌گیرد، نیروهای شگفت و خارق‌العاده به او اعطا می‌کنند.

این امر جزئی اهمیت می‌دهد. این موضوع متأثر از تحقق پیش‌گویی اشعیا است که از عمیق‌ترین معنای تعلیمی برخوردار است: «گاو صاحب خود را می‌شناسد و قاطر تخت سرور خود رامی‌شناسد، اما اسراییل مرا نمی‌شناسد و مردم به من بی‌توجه‌اند». این حیوانات نماد سخنان اشعیا است و ما را به شناختن مشیت الهی فرامی‌خواند (اوسپنسکی، لوسکی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

پیوند نگاره‌ها با مضامین اسطوره‌ای

برجسته‌ترین ویژگی ناخودآگاه جمعی وجود گنجینه‌ای از نمادها و نگاره‌هایی است که یونگ آن را آرکی تایپ می‌نامد «هرچند در معنای عام تمام انسان‌ها قهرمان انگاشته می‌شوند و پهلوان جای آشکار شدن روح انسانی به شمار می‌آید، اما در معنای خاص قهرمانان برگزیدگان هستند» (شکرای، ۱۳۹۲: ۹۸).

در اینجا باید رابطه کهن‌الگو با نماد یادآوری شود.



تصویر ۱۱. دو زن (ماما)، قسمتی از تصاویر تولد. مأخذ: همان.



تصویر ۱۲. زاویه دید مادر و کودک. مأخذ: همان.

پروردگار خود و سجده به جای آور و با نمازگزاران به نماز بایست». از نظر یونگ، قهرمان تولدی معجزه‌آسا و ساده دارد او قدرت فوق العاده‌ای از خود نشان می‌دهد که باعث ترقی او در جامعه می‌گردد» (اسنودن، ۱۳۸۹: ۱۰۴). یکی از این معجزات سخن گفتن مسیح در نوزادی است و معجزات دیگری که باعث می‌شود مردم به او و مادرش به دیده احترام بنگرند. این معجزات در قرآن سوره آل عمران آیه ۴۹ این‌گونه آمده است: و [او را به‌عنوان] پیامبری به‌سوی بنی‌اسرائیل می‌فرستد که به آنان می‌گوید در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام من از گل برای شما چیزی به شکل پرند می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود و به اذن خدا نابینای مادرزاد و پیر را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌کنم و شما را از آنچه می‌خورید و درخانه هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم.

شکل‌های گوناگون تولد نمادین این‌گونه است: تولد از دوشیزه، تولد معجزه‌آسا، تأثیر عوامل فرا طبیعی در تولد، تولد و نمادهای گیاهی، تولد با ظاهری ناقص و تولد در ظاهری غیرطبیعی.

تولد از دوشیزه

تولد از دوشیزه در اعتقاد و باور بسیاری از ملت‌ها دیده می‌شود «تولد از مادری باکره که روسپی مقدس نیز هست، در روایات مه‌ابهاراتا در مورد قهرمانی به نام کارنا نیز ذکر شده است. در این روایت پرنسس پریتا که او را کونتی می‌نامند، در باکرگی فرزند پسری به دنیا می‌آورد که پدرش خدای خورشید سوریا بود» (شکیبی

کل زندگی قهرمان به صورت نمایشی باشکوه از معجزات تصویر می‌شود که نقطه اوجش ماجرای بزرگ مرکزی آن است» (کمبل، ۱۳۸۵: ۳۲۴). در اسطوره، حماسه و افسانه‌های ملل، «قهرمان چهره‌ای شناخته‌شده و مشهور است که یا خود خداست، یا برکرده خدایان است و در مواردی نیز حاصل آمیزش یکی از ایزدان و ایزدبانوان یا شاه و ملکه‌ای خاص به شمار می‌رود. بدیهی است که شخصیتی این‌چنین که در حوزه عملکرد اسطوره، قهرمان نام دارد، با ویژگی‌هایی خاص و در موقعیتی منحصر به فرد، تولدی اغلب اسطوره‌ای دارد و بار سنگینی از نمادهای اساطیری و کهن نمونه‌ای را به دوش می‌کشد. بدین ترتیب تعداد زیادی از شخصیت‌های اسطوره‌ای یا قهرمانان اساطیری، با الگوهای تکرار شونده تولد به دنیا می‌آیند. با نگاهی به این الگوها و بررسی موقعیت‌های سمبلیک و مشترک میان آن‌ها می‌توان به این نتیجه کلی رسید که همواره یک خدا و الهه، شاه و ملکه و یا والدینی با سطح برتری از نظر نژاد و موقعیت اجتماعی، برای به دنیا آوردن کودکی انتخاب می‌شوند که در جهت تبیین اهداف اسطوره، تولدی از پیش تعیین شده و الگومند دارد» (شکیبی ممتاز، ۱۳۹۳: ۹۸). در داستان تولد عیسی مسیح، کودک از مادری متولد می‌شود (مریم) که برگزیده زنان دوران خود است و اولین زنی است که توانسته است وارد معبد شود. مریم در سوره آل عمران آیه ۴۲ لقب بانوی دو عالم بر خود گرفته است او کسی است که بر او وحی نازل شده است. در سوره آل عمران آیه ۴۵ چنین آمده است: «و فرشتگان مریم را گفتند: ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک ساخته، و بر تمامی زنان دوجهان برتری داده است. ای مریم فروتنی کن برای



تصویر ۱۳. یوسف، قسمتی از تصاویر تولد. مأخذ: همان.



تصویر ۱۴. مأخذ: همان، ۱۴۷.

اسطوره‌ها و افسانه‌ها روشنگر تقدیر قهرمان شدن است. از آنجاکه رویکرد یونگ به مسیح، رویکردی روان‌شناختی است، وی مسیح را نمادی تام از کهن‌الگوی خویشتن و تمامیت روان می‌داند: «مسیح نماد کاملی است از سرنمون خویشتن^۱، زیرا نمودگار همان صفات قهرمان اساطیری است داشتن پدر الوهی، تولد تصادفی و مخاطره‌آمیز، رشد و تحول زودرس، معجزات، مرگ، آوای فرشتگان، چوپانان و غیره بنابراین همین صفات مسیح است که از او تجسمی از خویشتن می‌سازد» (مورنو، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

ممتاز، ۱۳۹۳، ۱۱۰). «تولد معجزه‌آسای «نانا» از مادرش «آتیس» که باکره بود و با گذاشتن بادام رسیده‌ای در میان سینه‌هایش باردار شد، از دیگر نمونه‌های تولد کودک از مادر باکره به شماره می‌رود» (فریزر، ۱۳۸۷: ۳۹۷). در باور ایرانی، تولد سه موعود دین زردشتی، اوشیدر، اوشیدر ماه و سوشیانس از باکره است. در دین زردشت عقیده بر این است که این سه منجی، زمینه را برای ظهور زردشت در آخر زمان فراهم می‌سازند «در بندهش در مورد سه پسر زردشت آمده است: پیش از آنکه زردشت جفت گیرد، آنگاه ایشان فرّه زردشت را در دریای کیانسه، برای نگاه‌داری به آبان فره، که ایزد ناهید است، سپردند. اکنون نیز گویند که سه چراغ در بن دریا بدرخشید، به شب آن‌ها را همی‌بینند. یکی یکی را، چون زمانه خود برسد، چنین شود که کنیزی برای سر شستن بدان آب کیانسه شود و او را فرّه در تن آمیزد، آبستن شود. ایشان یکی یکی، به زمانه خویش چنین زاده شوند» (شکرای، ۱۳۹۲: ۱۰۱). بودا قهرمانیکه از سوی نیروهای برتر برای رسیدن به حقیقت فراخوانده می‌شود از دختری باکره زاده می‌شود (بهار، ۱۳۷۵: ۱۷۶) یونگ بودا را همچون مسیح نمادی از کهن‌الگوی خویشتن می‌داند (مورنو، ۱۳۸۰: ۷۷). در این پژوهش تولد مسیح مورد مطالعه قرار گرفته است. تولد حضرت مسیح (ع) از مریم باکره تنها نمونه تولد از دوشیزه است که منطبق بر واقعیت است و خود بهترین گواه بر این مطلب که تولد از دوشیزه در

نتیجه

در این تحقیق، ابتدا، معنای ظاهری و ویژگی‌های سبکی نگاره‌های انتخاب‌شده و محل کتابت و نگه‌داری آن‌ها مشخص شد. در مرحله دوم، رابطه میان نگاره‌ها، داستان‌ها و روایاتی مشخص گردید که معنای نگاره‌ها وابسته به آن‌ها است. در بخش تفسیر، به مطالعه چگونگی انتخاب ارزش‌های نمادین در برابر تصاویر، داستان‌ها و تمثیل‌ها پرداخته شد. با توجه به این‌که نگارگری ارمنیان در خدمت آموزش تعالیم کلیسا است این تصاویر بازتابی از این تعالیم و زندگی مسیح (ع) است. هنرمند ارمنی تلاش می‌کند این تعالیم را به بهترین وجه با هنر خودش به بیننده انتقال دهد به گونه‌ای که افراد بیسوادی که خواندن و نوشتن نمی‌داند نیز با دیدن این تصاویر به این تعالیم و آموزه‌ها دست یابند. از تفسیر این نگاره‌ها، دریافت می‌شود که مضامین و نحوه دید هنرمندان در سنت نگارگری ارمنی، بر اساس واقعیات تاریخی اتفاق افتاده است و نگاره‌های نسخه‌های خطی ارمنی بر پایه وفاداری بر این واقعیات تاریخی ترسیم شده‌اند. پیوند نگاره‌ها با مضامین اسطوره‌ای (کهن‌الگوی تولد و رمزگان اسطوره‌ای) آشکار می‌شود. بی‌شک نتایج به دست آمده در این پژوهش، معنای قطعی و تمام‌شده این نگاره هانیست و از جنبه‌های دیگر نیز قابل بررسی هستند و این نشان‌دهنده ظرفیت بالای نگارگری ارمنیان برای تحلیل و مطالعه است. که پژوهش‌های بیشتری از جنبه‌های گوناگون را ایجاب می‌کند.

منابع و مأخذ

آیت‌اللهی، حبیب‌الله، بهشتی طیبیه (۱۳۹۱). «بررسی سبک‌شناختی هنر شمایل‌نگاری بیزانسی». هنرهای

۱. از دیگر یافته‌های یونگ درباره روان انسان که نتیجه پژوهش‌های او درباره مذهب‌های آسیایی است، «مفهوم خویشتن یا کهن‌الگوی خویشتن است. از دیدگاه وی کهن‌الگوی خویشتن وحدت تمامی صفات شخصیت است» (شکرای، ۱۳۹۲: ۹۸). «خویشتن نیرویی است که تمام سیستم‌های شخصیت را متصل به یکدیگر نگه می‌دارد و باعث وحدت، تعادل و ثبات شخصیت می‌شود. به خویشتن رسیدن یعنی رسیدن شخصیت به وحدت کامل و این هدفی است که همه مردم برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، ولی به ندرت به آن دست می‌یابند» (شاملو، ۱۳۸۸: ۵۷).

- زیبا. شماره ۵۲. صص ۴۸-۳۹.
- اسنودن، روت (۱۳۸۹). خودآموز یونگ. مترجم: نورالدین رحمانیان. تهران: آشیان.
- اوسپنسکی، لئونید. لوسکی، ولادیمیر (۱۳۸۸). معنای شمایل‌ها. مترجم: مجید داودی. تهران: سوره مهر.
- پیزا، جوآنی (۱۳۸۲). رقص خورشید. مترجم: سیروس شاملو. تهران: نگاه.
- خلیلی، مریم (۱۳۸۸). «تحلیل تابلوی سفیران اثر هولباین بر اساس نظریه پانوفسکی». دو فصل‌نامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش‌مایه. سال دوم. شماره ۳. صص ۱۰۸-۹۹.
- درنرسیسیان، سیراری. مختاریان، آریاگ (۱۹۸۶). مینیاتورهای ارمنیان اصفهان. بلژیک: چاپخانه دمبل بروکسل.
- شاملو، سعید (۱۳۸۸). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
- شکریایی، محمد (۱۳۹۲). «تقدیر قهرمان شدن با تولد نمادین در اسطوره و افسانه». ادب پژوهی. شماره ۲۶. صص ۱۱۷-۹۵.
- شکیبی ممتاز، نسرين (۱۳۹۳). «اسطوره تولد قهرمان». ادب پژوهی. شماره ۲۹. صص ۱۱۶-۹۷.
- علی‌اکبر زاده، مهدی (۱۳۹۳). «تبیین جایگاه میناس: نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران». مطالعات تاریخ فرهنگی. سال پنجم. شماره ۲۰. صص ۱۰۲-۸۵.
- غلامیان، ریحانه. لیلیا. هوشنگی (۱۳۹۳). «شمائل‌نگاری در الهیات ارتدوکس: نمادها و نشانه‌های آن در کتاب مقدس». معرفت ادیان. شماره ۱۸. صص ۹۶-۷۵.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۷). شاخه زرین، راز. مترجم: کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- قازاریان، مانیا (۱۳۶۳). هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸. مترجم: ادیک گرمانیک. تهران: هوک ادگاریان.
- قوکاسیان، هراند (۱۳۵۲). «هنر و فرهنگ ارمنه ایران» مجله ارمنان. شماره پنجم. ص ۳۴۸.
- کمبل، جوزف (۱۳۸۰). قدرت اسطوره. مترجم: عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- کمبل، جوزف (۱۳۸۵). قهرمان هزارچهره، مترجم: شادی خسرو پناه. مشهد: گل آفتاب.
- مانوکیان، آرپی (۱۳۹۳). «میراث مینیاتور ارمنی». فصل‌نامه فرهنگی پیمان. ص ۶۹.
- موسوی لری، اشرف السادات. مهر محمدی، منصوره (۱۳۹۴). «معرفی انجیل خطی هوانس با تأکید بر تحلیل بصری نگاره‌ها و معرفی مکتب واسپوراکان». مطالعات تاریخ فرهنگی. سال هفتم. شماره ۲۵. صص ۱۲۲-۹۷.
- نصری، امیر (۱۳۸۹). «رویکرد شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی در مطالعات هنری». رشد آموزش هنر. شماره ۲۳. صص ۵۶-۶.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷). نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی. تهران: سروش.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۶). انسان و سمبولهایش. مترجم: محمود سلطانیه. چاپ یازدهم. تهران: چاپ دیبا.



- Manukian, Arri (1393). «Heritage of Armenian Minority», Peyman Cultural Letter. P. 69
- Mousavi Lar, Ashraf Sadat, Mehr Mohammadi, Mansoureh (1394).
- Pisa Joan (1382). Sunrise. Translator Cyrus Shamloo, Tehran, View
- Snowden Ruth (2010) Bong Tutor Translator: Nooruddin Rahmanian Tehran Ashkan
- Shamloo, Saeed (2009) Schools and theories in Psychology of the personality of Tehran, Growth
- Shakraei, Mohammad (1396) Fate of the heroism of symbolic birth in myth and mythology »Literature. No. 26. pp. 117-95.
- Shakibi Momtaz, Nasrin (1393) «Heroic Myth» Literature, No. 29, pp. 116-97.
- Yong Karl Gustavo (1396) His Words of Meaning Translator: Mahmud Soltaniei 11th Printing, Tehran, Diba



is called Conti, gives birth to a son in virginity, whose father was the god of the Syrian sun. In Zoroastrianism, it is believed that three saviors pave the way for the emergence of Zoroaster at the end of time. In Bundahishn, it is said about these three sons of Zoroaster: "Before Zoroaster had mated; then they handed over the glory (Khvarenah) of Zoroaster in the sea of Kianseh to be taken care of to Aban Khvarenah, who is Nahid the goddess. It is now said that three lights shine on the seabed, to be seen at night. One by one, when the time comes, it becomes so that a maid shall go into Kianseh's water to wash her head and Khvarenah shall entangle with her body and she shall get pregnant. Thus they one by one will be born in their own time". In Jung's view, Buddha, like Christ, is a symbol of his archetype. The birth of Jesus Christ (PBUH) from the Virgin Mary is the only example of the childbearing of a virgin that is true and the best evidence that childbearing of a virgin in myths and legends illuminates the fate of becoming a hero. Since Jung's approach to Christ is a psychological one, he considers Christ to be the full symbol of the archetype of self and mental wholeness: Premature evolution, miracles, death, the voice of angels, shepherds, etc. So, it is these attributes of Christ that make him the embodiment of himself. Undoubtedly, the results obtained in this research are the definitive and complete meaning of this painting and can be examined from other aspects as well, which shows the high capacity of Armenian painting for analysis and study as well as the requirement for further research regarding its various aspects.

Keywords: Armenian Art, New Julfa, Archetype of the Hero's Birth, Vank Church, Painting

- Reference:** Ali Akbarzadeh Mehdi (1393). Describing the position of Minas, the Armenian painter, in the history of painting in Iran. Historical cultural studies of the fifth year. 20th grade P. 102- 85
- Ayatollahi, Habibollah Beheshti Tayebeh (2012) Cognitive Styles of the Art of the Byzantine Art of Fine Arts - No. 52 pp. 39-48
- Campbell, Joseph (1380) The Power of Myth Translator: Abbasi Mokhberan, Tehran, Center Publishing
- Der nersessian. Sirarpié & Mkhitarian, Arpag (1986): Armenan miniatures from Isfahan Printed in Belgium by Imprimerie Dembla Brussels.
- Friend of Mahvash (2008), Mythological Institutions in Ferdowsi's Shahnameh, Tehran, Soroush
- Fraser, Jimmy George (2008). Zarrin Branch, Secret, Translator: Kazim Firouzmand, Tehran, Awareness
- Fletcher, Elizabeth (2012), www.jesuse story Painting birth Christ.htm.(Access date: 17/9/2018(Gholamian, Reyhaneh. Leyla Hushangi (1392). «Succession in Orthodox Theology Symbols and Symbols in the Bible of Knowledge of Religion No. 18. P. 75-96
- Ghazarian Mania (1363), Art Nouveau painting (Isfahan) from the 17th and 18th Centuries. Adic Kermānik Literature, Tehran, Hvick Edgarian
- Ghukassian, Hrand (1352), «Armenian Art and Culture», Armaghan Journal, No. 5, p. 348
- Introducing a linear linear gospel with an emphasis on visual analysis of images and the introduction of the Vassporahan School, Cultural History Studies, seventh year. No. 25, pp. 97-122
- Joseph Campbell (1385). Hero of the Thousand Faces, Translator: Shadi Khosrow Panah, Mashhad, Flower of the Sun
- Khalili, Maryam (2009) Analysis of the Letter of the Ambassadors of Holbine's Effect Based on the Panovsky's Theory »Two Chapters of the Specialty of Visual Arts. second year . No. 3 pp. 99-108
- Lipensky, Leonid. Lukovsky, Vladimir, 2009. Meaning of icons. Translator: Majid Delobadi, Tehran, Surah Mehr
- McGuckin, Jon Anthony (2008). The Orthodox Church. USA Blackwell.

An Analytical Study of the Iranian-Armenian Paintings

Case Studies: Paintings of the Birth of Jesus Christ

Rafat Hosseini Nezhad, MA in Art Research, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Mazandaran Province, Iran.

Nadia Maghuly, Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Mazandaran Province, Iran.

Received: 2020/04/08 Accepted: 2020/04/27



The origin of Armenian art in Iran dates back to the Median and Achaemenid eras. After the forced migration of the Armenians to Iran by Shah Abbas, the Armenian artistic heritage of Nizi was transferred to a new place. The lands of Armenia and Iran have been adjacent and have been culturally and politically connected for many centuries, so the Armenian people are among the Iranian tribes. In the seventeenth and the eighteenth centuries AD, a large number of Armenian artists and scholars gathered in Julfa of Isfahan and engaged in artistic and cultural activities. Therefore, Julfa of Isfahan became the land of Armenian science and learning. The Armenians of Julfa founded the Higher School (Religious School) diligently. Graduates from this school were brilliant figures who presented valuable services throughout the history of Armenian civilization and culture. Also, the works created in the field of murals and miniatures by Armenian artists are worthy and admirable. In this research, 5 examples of drawings of the Julfa school of New Isfahan on the subject of the birth of Jesus Christ (PBUH) that exist in this museum have been studied. The research question is: on what basis have images of birth been depicted in the Bibles? The research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library research and online sources. The method of data analysis is qualitative. The statistical population is the Bibles that are kept in the Vank Church Museum. Numerous articles on the birth of Jesus Christ (PBUH) along with other topics such as evangelism, resurrection, etc have been done. The present study follows a methodical and deeper reading of the drawings of the Armenians of Isfahan with a focus on portrayals of the birth of Jesus Christ which concludes that these works are created as essential. In this research, first, the apparent meaning and stylistic features of the selected drawings and their place of writing and preservation have been determined, and in the second stage the relationship between drawings, stories and narratives on which the meaning of drawings depends. In the interpretation section, we studied how to choose symbolic values for images, stories and allegories. Given that Armenian painting is at the service of instructing the teachings of the church, these images are a reflection of these teachings and the life of Christ. Interpretation of these paintings indicates that the themes and views of the artists regarding the tradition of Armenian painting are based on historical facts, and the drawings of the Armenian manuscripts are based on fidelity to the historical facts. The connection of the paintings with the themes of myth (the archetype of the birth of the mythical worms) is revealed as well. The childbearing of a virgin is seen in the beliefs of many nations. The childbearing of a virgin mother, who is also a holy prostitute, is also mentioned in the Mahabharata narrations about a hero named Karna. In this narration, Princess Prieta, who